

دوتا ۳۸۹	عهدجدید / ۴۵
	مکاشفه ۲۰
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز به شما مکاشفه فصل ۲۰ را معرفی میکنیم. مکاشفه فصل ۲۰، منقطع شدن شیطان از روی زمین و سلطنت مسیحیان با مسیح را در آسمان را بیان میکند. بخش هفتم کتاب مکاشفه مشتمل بر فصلهای ۲۰ تا ۲۲ است.

اول. اصولی که تفسیر مکاشفه ۲۰ بر آن پایه نهاده شده است.

یک. تفسیر مکاشفه ۲۰: ۱-۶، پیشگویی در مورد زندگی آینده نیست بلکه شرح نمادینی از زندگی فعلی و در حال حاضر می باشد. در طی زمان نمادین ۱۰۰۰ سال، شیطان در زمین به اسارت درآمده است و در طی دوره مشابه مسیحیان با مسیح در آسمان سلطنت می کنند. عدد "۱۰۰۰ سال" شامل اعداد ۱۰ ضربدر ۱۰ ضربدر ۱۰ است و نمادی است معرف دوره زمانی که با اسارت شیطان آغاز می شود و با آزاد شدن او درست قبل از بازگشت مسیح به اتمام می رسد. عدد ۳ معرف خدا و عدد ۱۰ معرف کاملیت و پری است. بنابراین "۱۰ ضربدر ۱۰ ضربدر ۱۰" معرف دوره زمانی قطعی و کامل است که در طی آن خدای کتاب مقدس در تاریخ زندگی بشر عمل می کند. از آنجایی که کتاب مقدس به ما می گوید که شیطان در دوره زمانی ظهور مسیح به اسارت درآمد، دوره " ۱۰۰۰ ساله" نمادی برای فاصله زمانی بین ظهور تا بازگشت مسیح است که در طی آن خدا نقشه نجاتش را برای کلیسا و داوری اش را برای شریران محقق می سازد.

دو. این تفسیر همه اعتبار را به کار نجات مسیح در زمان ظهورش می دهد که شامل اسیر کردن شیطان است تا انجیل بتواند در بین همه ملت‌های دنیا موعظه شود (یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲).

سه. این تفسیر همه اعتبار را به برگشت پیروزمندانه مسیح در زمان بازگشتش برای داوری قاطعانه شریران و احیا زمین می دهد. مسیح برای غلبه بر شریران و بی خدایان به هزار سال زمان پس از بازگشتش نیاز خواهد داشت، او آنها را در یک لحظه نابود می کند (۲۰: ۹-۱۰).

چهار. این تفسیر بر اساس این حقیقت است که کتاب مکاشفه یک کتاب مکاشفه ای است و هر واقعه ای به صورت سمبولیک به تصویر کشیده شده است و شامل رویاها، نشانه ها، نمادها و اعداد می باشد (۱: ۱). فصل ۲۰، هفتمین بخش موازی کتاب است که در هر بخش تاریخ نجات خدا را در فاصله زمانی ظهور تا بازگشت مسیح شرح می دهد.

پنج. این تعبیر بر اساس این حقیقت است که مسیح یک بار و در روز آخر بازگشت می کند. مسیح به همراه فرشتگان بی شمار و مسیحیانی که از این دنیا رفته اند با صدای بلند و آشکارا بازگشت خواهد کرد و نه به صورت مخفی (۱۹: ۱۱-۱۶، متی ۲۴: ۳۰-۳۱، اول تسالونیکیان ۴: ۱۴-۱۷). بازگشت مسیح در روز خداوند یا روز آخر اتفاق می افتد (اول تسالونیکیان ۵: ۲، دوم پطرس ۳: ۳-۱۳).

شش. این تعبیر بر اساس این حقیقت است که کتاب مقدس تنها یک جنگ نهایی را در روز آخر نشان میدهد. مسیح بر دشمنانش ناگهانی، مقاومت ناپذیر و قاطعانه غلبه می کند (۱۶: ۱۴-۱۶، ۱۸: ۸، ۱۹: ۱۱-۲۱، ۲۰: ۷-۱۰، دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۱۲). جنگ نهایی در روز آخر یا روز خداوند اتفاق می افتد (۱۶: ۱۴). تمام مردم شریر و بی خدا در بازگشت مسیح فوراً جسماً نابود می شوند و پس از بازگشت مسیح اثری از آنها روی زمین باقی نخواهد ماند.

هفت. این تعبیر بر اساس این حقیقت است که کتاب مقدس تنها یک قیامت جسمی را برای تمام مردم در روز آخر نشان می دهد. هیچ فاصله زمانی بین قیام افراد و روز آخر نخواهد بود (۲۰: ۱۱-۱۵، یوحنا ۵: ۲۸-۲۹). قیامت در روز خداوند یا روز آخر اتفاق می افتد (یوحنا ۶: ۳۹-۴۰، ۱۱: ۲۴، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰).

هشت. این تعبیر بر اساس این حقیقت است که کتاب مقدس تنها یک روز داوری برای همه مردم را در روز آخر به ما نشان می دهد، هیچ فاصله زمانی بین داوری اشخاص و روز آخر نخواهد بود (۲۰: ۱۱-۱۵؛ متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ اعمال ۱۷: ۳۱؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰). روز داوری نهایی در روز خداوند یا آخرین روز اتفاق خواهد افتاد. (یوحنا ۱۲: ۴۸، رومیان ۲: ۱۶).

نه. این تعبیر بر اساس این حقیقت است که کتاب مقدس هیچ فاصله زمانی طولانی را بین بازگشت مسیح و احیای زمین به ما نشان نمی دهد. مسیح در بازگشتش بدنهای مسیحیانی را که مرده بودند، برمی خیزاند (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴-۱۷) و بدنهای مسیحیان زنده را تبدیل می کند (اول قرنتیان ۱۵: ۵۲). تمام مسیحیان به سمت ابرها بالا برده می شوند تا مسیح را ملاقات کرده (متی ۲۴: ۴۰-۴۱، اول تسالونیکیان ۴: ۱۷) و به او خوش آمد بگویند (دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰). تمام مردم شریر و بی خدا بازگشت مسیح را با وحشت غیرقابل توصیف نظاره گر خواهند بود (مکاشفه ۶: ۱۲-۱۷، اول تسالونیکیان ۵: ۲-۳) و در همان روز آخر آنها توسط فرشتگان برای داوری به حضور تخت مسیح در آسمان برده خواهند شد (متی ۱۳: ۳۰، ۴۳-۴۴، ۲۵: ۳۱-۴۶، مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵). مکاشفه ۲۰: ۱۱ تا ۲۱: ۵ به طور واضح بیان می کند که فاصله زمانی طولانی بین بازگشت مسیح، قیامت و داوری نهایی از یک طرف و احیای زمین از طرف دیگر وجود ندارد. در طی ۱۰۰۰ سال نمادین در مکاشفه ۲۰، هیچ اشاره ای به اسرائیل یا حیوانات اهلی و یا مسکن آرام روی زمین حاضر نشده است. فصل ۲۰ مکاشفه به هزاره ابعاد روحانی اشاره میکند نه هزاره ابعاد جسمانی.

دوم. تصویر سمبولیک در مکاشفه ۲۰: ۱-۳ مربوط به اسارت شیطان روی زمین است.

تصویر نمادینی از فرشته قدرتمندی است که اژدها را می گیرد و او را به زنجیر می کشد و به چاه بی انتها می افکند و چاه را به مدت ۱۰۰۰ سال می بندد و قفل می کند. "چاه بی انتها" نام جهنم قبل از روز داوری است که به صورت گودال بسیار عمیقی

که در نیز دارد به تصویر کشیده شده است. در آن می تواند باز شود (۹: ۱-۲، ۱۱) و قفل شود و حتی مهر شود (۲۰: ۳). این همان مسکن روحهای شریر یا دیوها است (لوقا ۸: ۳۱).

یک. قبل از ظهور مسیح و در طول دوره عهدعتیق این کاملاً واضح بود که یهودیان نجات یافته بودند و دیگر ملت ها در تاریکی ساکن و تحت اسارت شیطان بودند (دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۰-۲۱) به این معنا که خدا اجازه داد که ملت ها راه خودشان را بروند (اعمال ۱۴: ۱۶، رومیان ۳: ۲۵، دوم قرنتیان ۴: ۴). در این مورد شیطان "ملت ها" را فریب داد. اما در طول دوره عهدعتیق خدا به مسیح وعده داد که "ملت ها میراث او و تمام زمین ملک او خواهد بود" (پیدایش ۱۲: ۳، مزمور ۲: ۸، اشعیا ۴۹: ۶). تاریکی روحانی که به سبب فریب شیطان ملت ها را فرا گرفته است، تا ابد باقی نخواهد ماند.

دو. مسیح در مدت زمان ظهورش با این هدف آمد که "کار شیطان را خراب کند" (اول یوحنا ۳: ۸). در متی ۱۲: ۲۹ عیسی می گوید: "چه کسی می تواند وارد خانه شخص زورمندی شود و اسباب او را تاراج کند، مگر آنکه اول آن زورمند را ببندد (اسیر کند) و سپس خانه او را تاراج کند". مشابه همین کلمه "اسیر کردن" در مکاشفه ۲۰: ۲ به کار رفته است و به معنای "تحت کنترل در آوردن"، "محدود کردن" و "منقطع کردن" اثر او می باشد.

عیسی با پیروز شدن بر وسوسه های شیطان در بیابان (متی ۴: ۱-۱۱) و با اخراج روح های شریر از مردم دیو زده، شروع به اسیر کردن شیطان می کند. او به کارگزارانش اختیار داد تا شیطان را ببندند و آنها هم روحهای شریر را اخراج کنند. عیسی این شکست شیطان را در لوقا ۱۰: ۱۸ به این صورت شرح می دهد: "بله، من شیطان را دیدم که همچون برق از آسمان به زیر افتاد. من به شما قدرت بخشیده ام تا بر همه نیروهای دشمن غلبه کنید ... هیچ چیز هرگز به شما آسیب نخواهد رساند". منظور عیسی این بود که وقتی شاگردانش، دیوها را از مردم بیرون می کردند، او سرور دیوها یعنی شیطان را دیده است که از جایگاه قدرتش در جهان به زیر افتاد. سقوط شیطان مانند "برق ناگهانی و تکان دهنده بود، چون شاگردان انتظار چنین پیروزی را نداشتند و شاید حتی خود شیطان هم انتظار شکست خود را نداشت. آنچه از آمدن اولیه مسیح آغاز شده بود تا بازگشت عیسی مسیح، وقتی که در نهایت، شیطان در جهنم شکست بخورد، ادامه پیدا خواهد کرد.

عیسی با مرگ، قیام، صعود و به تخت نشستن خود، اسارت شیطان را کامل کرد. در یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲ عیسی می فرماید: "اکنون وقت آن رسیده است که خدا مردم دنیا را داوری کند و فرمانروای این دنیا یعنی شیطان را از قدرت بیاندازد. وقتی مسیح را بلند کردید، او نیز همه را به سوی خود بالا خواهد کشید". عیسی در اینجا به مصلوب شدن، قیام، صعود و بر تخت نشستن خود اشاره می کند. این واقعه عظیم از طرفی داوری دنیای شریری است که مسیح را رد کرد و از طرفی دیگر از قدرت انداختن شیطان به عنوان فرمانروای این عالم است. در کولسیان ۲: ۱۵ پولس می فرماید که مسیح با مرگش بر روی صلیب قدرت های شیطان را درهم شکست و بر آنها چیره شد. در مکاشفه ۱۲: ۵-۱۲ مسیح می فرماید که قیام، صعود و بر تخت نشستن او باعث شکست شیطان و فرشتگان شریر شد و آنها از آسمان رانده شدند. بنابراین "اسارت شیطان"، "سقوط" او یا "رانده شدن" او از آسمان، با آمدن اولیه مسیح به هم مربوط هستند.

سه. در فاصله بین آمدن اولیه تا بازگشت مسیح، مسیح تمام ملت ها را به سوی خود می خواند. فراخواندن مردم از تمام ملل جهان همزمان است با بیرون راندن شیطان از میان ملت های دنیا (کولسیان ۱: ۱۳). بعنوان یک نتیجه، از طریق موعظه انجیل به همه ملل جهان، عیسی مسیح مردم را از همه ملت ها به سوی خود میخواند. در طول این دوره انجیلی که از آمدن اولیه تا بازگشت مسیح است، نفوذ شیطان بر زمین قطع میشود و او دیگر قادر نخواهد بود که مانع اشاعه کلیسا در ملت های دنیا بشود. این دلیلی است که مکاشفه ۲۰: ۳ بیان می دارد که در طول دوره ۱۰۰۰ ساله "شیطان اسیر شد تا نتواند هیچ قومی را فریب دهد". نه به این مفهوم که دیگر هیچ نفوذی در دنیا نداشته باشد یا اینکه همه مردم مسیحی بشوند یا اینکه دنیا به سمت آرامش و یک جامعه با صلح کامل حرکت کند، بلکه او اسیر شد تا دیگر نتواند مردم را فریب بدهد و آنها را از شنیدن و پاسخ دادن به انجیل باز دارد. اگرچه شیطان یک دشمن مغلوب است اما خدا هنوز او را از صحنه زمین حذف نکرده است. مکاشفه ۲۰: ۷-۱۵ به ما نشان می دهد که حذف کامل شیطان در بازگشت مسیح وقتی که شیطان در جنگ نهایی شکست بخورد و به جهنم برود، اتفاق خواهد افتاد. (۱۶: ۱۲-۱۶؛ ۱۹: ۱۱-۲۱)

چهار. ۱۰۰۰ سال. از آنجایی که ۱۰۰۰ سال، در فاصله زمانی قبل از بازگشت مسیح، جنگ نهایی، قیام و داوری نهایی (۲۰: ۷-۱۵) می باشد پس این نماد دیگری است حاکی از دوره انجیل در فاصله زمانی آمدن اولیه تا بازگشت مسیح.

سوم. تصویر سمبولیک مکاشفه ۲۰: ۴-۶ در رابطه با سلطنت هزار ساله مسیحیان با مسیح در آسمان است. تصویر نمادین از تخت هایی است که کسانی بر آنها نشسته بودند که به آنها اختیار و قدرت داوری داده شده بود و جانهای مسیحیانی که مرده بودند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت نمودند.

یک. این سلطنت هزارساله در کجا واقع می شود؟ هر جا که تختها باشند. در سراسر کتاب مکاشفه تختهای خدا و مسیح و قوش همیشه در آسمان است (۴: ۲، ۴: ۵، ۶: ۷، ۷: ۱۳، ۷: ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵: ۱۲، ۱۵: ۵، ۱۶: ۱۶؛ ۱۷: ۴، ۱۱). هر جا که عیسی باشد، همان جا واقع می شود. بر طبق کتاب مکاشفه، مسیح از تخت خدا در آسمان بر جهان سلطنت می کند (مکاشفه فصلهای ۵ و ۱۲) و این سلطنت هر جا که "جانهای" از جسم جدا شده شهیدان هستند، می باشد. طبق مکاشفه ۶: ۹ این سلطنت در آسمان خواهد بود.

دو. طبیعت سلطنت هزارساله چیست؟ بر طبق کتاب مکاشفه، جانهای قربانی شده در حضور تخت خدا در آسمان سرود می خوانند و تخت نشین را برای داوری های حق و عدلش ستایش می کنند (۱۴: ۳، ۱۵: ۲-۴). آنها او را روز و شب خدمت می کنند (۷: ۱۵) و با مسیح بر تخت می نشینند (۳: ۲۱) و در سلطنت با مسیح شریک می شوند (۲۰: ۶). اینکه آنها چگونه این کارها را به عمل می آورند مشخص نشده است.

سه. چه کسانی در سلطنت هزار ساله شریک هستند؟ تمام جانهای شهدای مسیحی که به خاطر اعلام پیام عیسی مسیح سر بریده شدند و جانهای تمام مسیحیان وفادار که جانور را پرستش نکردند و علامت جانور را دریافت نکردند و با داشتن ایمان مسیحی خود از دنیا رفته بودند (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۴) با مسیح سلطنت خواهند کرد. از تمام مردم روی زمین که می میرند، مسیحیان "دوباره زنده می شوند" و با مسیح "سلطنت می کنند". تنها آنها در "قیامت اول" سهم خواهند داشت و هرگز "مرگ دوم" را نخواهند چشید. "بقیه" مردمی که روی زمین می میرند تا پایان هزار سال "زنده نخواهند شد". از مردم دنیا تنها غیرمسیحیان در مرگ دوم سهم خواهند شد و هیچ سهمی از قیامت اول نخواهند داشت.

چهار. قیامت اول و مرگ دوم به یک مرگ اول و یک قیامت دوم اشاره دارد. جانها زنده شدند. مکاشفه ۲۰: ۴ می گوید: "جانهای آنان ... زندگی را از سر نو آغاز کردند" و نمی گوید "بدن هایشان زنده شدند". بحث اینکه کلمه "آنها زنده شدند" تنها می تواند به قیامت جسمانی اشاره کند (۲: ۸، رومیان ۱۴: ۹) مطرح نمی باشد چون در کتاب مکاشفه کلمه یکسانی برای مفهوم "زنده شدن" در بعد روحانی هم به کار رفته است (۳: ۱، ۴: ۹-۱۰، ۷: ۲، ۱۵: ۷). برطبق یوحنا ۵: ۲۵، مرده روحانی صدای مسیح را خواهد شنید و از لحاظ روحانی زنده خواهد شد. این تولد دوباره روحانی است و طبق لوقا ۲۰: ۳۸، خدا، خدای مردگان نیست بلکه "خدای زندگان" است. این اشاره ای است به ابراهیم، اسحاق و یعقوب به عنوان جانهای زنده در آسمان قبل از اینکه قیامت جسمانی از مردگان صورت بگیرد.

قیامت اول و مرگ دوم. کتاب مقدس می گوید فقط یک مرگ جسمانی (عبرانیان ۹: ۲۷) و یک قیامت از مردگان وجود دارد که در آن زمان بدن های ایمانداران و بی ایمانان از مردگان قیامت داده می شود (دانیال ۱۲: ۲، یوحنا ۵: ۲۸-۲۹، اعمال ۲۴: ۱۵). همین طور کتاب مقدس بیان می کند که جانهای ایماندارانی که از لحاظ جسمی مرده اند، فوراً به آسمان انتقال داده می شود (جامعه ۱۲: ۷، یوحنا ۱۱: ۲۵، دوم قرنتیان ۵: ۸، فیلیپیان ۱: ۲۱ و ۲۳، اول تسالونیکیان ۵: ۱۰، دوم تیموتائوس ۴: ۱۸) و جانهای بی ایمانانی که از لحاظ جسمی مرده اند به جهنم منتقل می شود (لوقا ۱۶: ۲۲-۲۴). نمادها به این معنا هستند:

"مرگ اول"، یک مرگ جسمی برای ایمانداران و بی ایمانان است.

"قیامت اول" قیامت روحانی یا انتقال جانهای ایمانداران به آسمان است.

"قیامت دوم" قیامت جسمانی ایمانداران و بی ایمانان است (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹، اعمال ۲۴: ۱۵).

"مرگ دوم" مرگ روحانی و ابدی برای جان ها و بدن های بی ایمانان است (۲۱: ۸).

بنابراین کلمه "قیامت اول" در مقابل قیامت دوم به قیامت جسمانی اشاره نمی کند، بلکه به انتقال جانهای ایمانداران به آسمان یعنی انتقال از این زمین گناه آلود به آسمان مقدس خدا اشاره می کند. پس کلمه "مرگ دوم" هم به مرگ جسمانی دیگری بعد از مرگ اول روی زمین، اشاره نمی کند بلکه به انداخته شدن جانها و بدن های بی ایمانان به جهنم در روز داوری اشاره دارد (متی ۳: ۱۲، ۱۰: ۲۸، ۱۳: ۴۱-۴۲، ۲۵: ۴۱، ۴۶). تضاد در همین جا است که اگر چه همه مردم از لحاظ جسمی می میرند اما تنها ایمانداران به مسیح به آسمان و حضور مسیح منتقل می شوند. تضاد دیگر آن است که اگر چه همه مردم قیامت جسمانی را تجربه می کنند اما تنها مردمی که به عیسی مسیح ایمان نیاوردند، بدنها و جانهایشان به دریاچه آتش که با گوگرد میسوزد، انداخته می شود.

پنج. سلطنت مسیحیان در آسمان حاضر و زمین جدید آینده. مسیحیانی که مرده اند اکنون به عنوان "جانهای" بدون بدن، با مسیح سلطنت می کنند. اما پس از بازگشت مسیح و قیامت از مردگان (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴، اول قرنتیان ۱۴: ۴۶-۴۷)، جانهای آنها به بدن هایشان خواهد پیوست، سپس آنها با مسیح سلطنت خواهند کرد نه به مدت نمادین ۱۰۰۰ سال در آسمان، بلکه آنها با مسیح برای ابد روی زمین جدید سلطنت خواهند کرد (مکاشفه ۲۲: ۵).

چهارم. تصویر سمبولیک مکاشفه ۲۰: ۷-۱۰ در رابطه با آزادی شیطان و جنگ نهایی است.

تصویر نمادین این است که درست قبل از بازگشت مسیح، شیطان برای مدت کوتاهی آزاد خواهد شد و دوباره به سراغ ملت های جهان می رود تا آنها را فریب بدهد. شیطان و یارانش، ضد مسیح سیاسی، پیامبر دروغین مذهبی و ملت های بی خدای جهان، خیمه قوم خدا، شهر محبوبش را محاصره می کند. اما آتش از آسمان خواهد بارید و آنها را فرو خواهد گرفت و شیطان به دریاچه آتش که با گوگرد میسوزد انداخته خواهد شد تا برای ابد عذاب بکشد.

یک. "جوج و ماجوج" نماد ملت های شریر و بی خدا هستند (حزقیال ۳۸-۳۹). آنها برای جنگی که در بخش های ۵، ۶ و ۷ کتاب مکاشفه بیان شده است دور هم جمع می شوند، جنگ نهایی که درست قبل از بازگشت مسیح می باشد (۱۶: ۱۶-۱۷؛ ۱۹: ۱۹؛ ۲۰: ۸).

دو. "خیمه" خدا در مدت سفر در بیابان و "شهر" اورشلیم (عبرانیان ۱۳: ۱۴، ۱۱: ۱۰، ۱۲: ۲۲) نمادهایی از عهدعتیق هستند و معرف کلیسا در عهد جدید هستند.

سه. جنگ نهایی در تاریخ این دنیا، شرح داده نشده است اما نتیجه آن وجود دارد. شیطان و یارانش به کلیسا حمله می کنند، اما در نهایت شیطان به جهنم می افتد، جایی که یارانش هم در آنجا افتاده بودند.

پنجم. تصویر سمبولیک مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵ در رابطه با روز داوری نهایی است.

تصویر نمادین از تخت بزرگ سفید است. آسمان و زمین حاضر از حضور کسی که بر تخت نشسته بود، گریختند. تمام مردمی که تا به حال زندگی کرده و مرده اند، در برابر تخت او می ایستند. دفترها گشوده میشوند و هرکس طبق آنچه انجام داده و در دفترها ثبت شده، داوری می شود. نامها در "دفتر حیات" مشخص می کند که چه کسی حیات جاودان دارد و چه کسی در دریاچه آتش که با گوگرد میسوزد، می افتد. تنها در پایان دوره نمادین هزار ساله، بازگشت مسیح انجام می گیرد. در بازگشت مسیح سه اتفاق مهم روی می دهد:

یک. قیامت جسمانی مردگان. کتاب مقدس به ما نشان می دهد که تنها یک قیامت جسمانی عمومی وجود دارد. در یوحنا ۵: ۲۸-۲۹، مسیح می فرماید: "از این گفته من تعجب نکنید، چون وقت آن رسیده است که تمام مرده ها در قبر صدای مرا بشنوند و از قبر بیرون بیایند، تا کسانی که خوبی کرده اند به زندگی جاوید برسند و کسانی که بدی کرده اند، محکوم گردند" (دانیال ۱۲: ۲، اعمال ۲۴: ۱۵). یک قیامت جسمانی وجود دارد که در روز آخر انجام خواهد گرفت (یوحنا ۶: ۳۹-۴۰؛ ۱۱: ۲۴). بنابراین در بازگشت مسیح قیامت عمومی بدن های مردگان انجام خواهد گرفت. تمام مردمی که زندگی کرده و مرده بودند و روانه دنیای مردگان شده بودند، همگی با هم برخوانند خاست. "مرگ" نماد جدایی روح از بدن است. "دنیای مردگان" نماد وضعیت جدایی روح از بدن یا نماد جایی است که جسد در آن قرار می گیرد، یعنی گور و این می تواند هر جایی باشد، روی زمین یا ته دریا. مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش انداخته خواهد شد.

دو. روز داوری آخر. کتاب مقدس به ما نشان می دهد که تنها یک روز داوری نهایی برای تمام مردمی که زندگی کرده اند وجود دارد. خدای پدر تمام داوری را به پسر واگذار کرده است (یوحنا ۵: ۲۲-۲۳) و بنابراین تخت نشین بر "تخت بزرگ سفید" عیسی مسیح است (۱۴: ۱۴، متی ۲۵: ۳۱). اعمال ۷: ۳۱ بیان می کند: "خدا روزی را معین فرموده است که در آن روز مردم این دنیا را به وسیله شخص مورد نظر خود با عدل و انصاف داوری خواهد کرد". داوری نهایی در روز آخر اتفاق خواهد افتاد بنابراین این واقعه در همان روز بازگشت مسیح و قیامت جسمانی مردگان اتفاق خواهد افتاد (یوحنا ۱۲: ۴۸). بنابراین در روز بازگشت مسیح، تنها یک داوری نهایی برای تمام مردمی که زندگی کرده اند، خواهد بود. دانیال ۱۲: ۲ بیان می کند که در قیامت برخی مردم وارد حیات جاودان می شوند و برخی دیگر به عذاب و خواری ابدی دچار می شوند. به علاوه متی ۲۵: ۳۱-۴۶ بیان می دارد که تمام مردم چه ایماندار و چه بی ایمان در یک داوری یکسان، داوری می شوند. آنها بر اساس آنچه انجام داده اند و در دفترها ثبت شده است، داوری می شوند (جامعه ۱۲: ۱۴، دوم قرنتیان ۵: ۱۰). کارکرد "دفتر حیات" که در روز داوری نهایی گشوده می شود، این است که علناً اعلام کند که چه کسانی ایماندار هستند و چه کسانی نیستند. تنها کسانی که اسمشان در دفتر حیات باشد، وارث آسمان و زمین جدید خواهند بود (لوقا ۱۰: ۲۰)، و بقیه به دریاچه آتش افکنده خواهند شد (۲۰: ۱۵).

سه. خلقت آسمان و زمین جدید. "آسمان و زمین حاضر ناپدید خواهند شد". این بدین معنا نیست که آنها نابود شده و از بین رفته اند. متی ۲۴: ۲۹ می گوید که در "روز خداوند" که "روز آخر" است، "خورشید تیره و تار شده و ماه دیگر نور نخواهد داد. ستارگان از آسمان به زمین خواهند افتاد و نیروهایی که زمین را نگه داشتند به لرزه در خواهند آمد". اجرام آسمانی در آتش گداخته خواهند شد و همه چیز عریان خواهد بود (دوم پطرس ۳: ۱۰). این تجدید حیات همه چیز (متی ۱۹: ۲۸)، احیای همه چیز (اعمال ۳: ۲۱)، آزادی خلقت از فساد (رومیان ۸: ۲۱) خواهد بود و دیگر خلقت محکوم نخواهد بود (رومیان ۸: ۲۰). عهدعتیق نه تنها خلقت آسمان و زمین حاضر را ثبت کرده است بلکه خلقت آسمان و زمین جدید را پیشگویی می کند (اشعیا ۵۶: ۱۷، ۶۶: ۲۲). بر طبق دوم پطرس ۳: ۱۳، در طی عهدجدید مسیحیان انتظار آسمان و زمین جدید، خانه عدالت می باشند.

تکلیف برای روز بعد

- اول. مکاشفه فصلهای ۲۱ الی ۲۲ را بخوانید. فردا، به معرفی مکاشفه ۲۱-۲۲ خواهیم پرداخت.
- دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.